

## زندگی نامه مؤسس جامعه علمیه امیرالمؤمنین علیه السلام

زندگی‌نامه مختصر:

مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا کرباسی، در سال 1306 هجری شمسی در نجف آباد اصفهان دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی را در کنار پدر و برادر بزرگتر خویش، مرحوم آقای حاج سبزعلی کرباسی (رحمه الله) بسر برد و همواره بازوی توانا و یاور پدر در کارهای کشاورزی و تامین معاش خانواده بود. پدر ایشان (مرحوم حاج علی کرباسی) از افراد خیر و نیکوکار نجف آباد شمرده می شد. از جمله کارهای خیر ایشان ساختن پل بر روی نهرها برای استفاده عموم مردم بود که به این منظور تخته سنگ های بزرگ را از دامنه کوه ها به وسیله یک گاری دستی که همواره به همراه داشت، حمل می کرد و با کمک دو فرزندش حسنعلی و سبزعلی آنها را می ساخت. کارهای خیر دیگری از قبیل کمک به مستمندان، بزرگسالان از کار افتاده و همکاری در ساختن مساجد و ... نیز توسط ایشان انجام می گرفت. مرحوم حاج آقا کرباسی پس از فوت پدر، نسبت به تامین معاش مادر و خانواده، احساس مسئولیت نمود و به همین جهت به کارهای سخت و طاقت فرسا برای مردم روی آورد و همه سختی ها را به جان خرید. اما در اثر همنشینی با علما و بزرگان، مخصوصاً مرحوم شیخ احمد حُججی نجف آبادی، اشتیاق زائدالوصفی نسبت به تحصیل در خودش حس می کرد. اگر چه به دلیل مشکلات اقتصادی و نبود امکانات، باور نمی کرد که روزی به این مقصود نائل شود. لذا جهت برآورده شدن این آرزو به خداوند متعال و ائمه معصومین (ع) متوسل شد و نذر کرد که اگر وسیله تحصیلش در حوزه اصفهان فراهم شود، هر هفته پنج شنبه ها روزه بگیرد و پیاده از اصفهان به نجف آباد برای دیدار مادر برود. بنابراین لازم بود پنج شنبه هر هفته مسافتی حدود سی کیلومتر را پیاده جهت دیدار مادر به نجف آباد بیاید. این توسل نتیجه مثبتی دربرداشت و در یکی از دیدارهای ایشان با مرحوم حاج شیخ احمد مورد توجه قرار گرفت و جهت تحصیل علوم و معارف اهل بیت (ع) راهی اصفهان شد، در حالی که توشه راهش فقط یک کیسه نان خشک بود.

دوران تحصیلات اصفهان با مشقت های فراوانی طی نمود و بالاخره در حدود سال 1336 به حوزه قم مشرف شد. در حوزه علمیه قم از محضر علما و مراجع بزرگ همچون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، آیت الله محقق داماد، آیت الله حائری یزدی و حضرت امام خمینی (ره) بهره های فراوان بردند.

ایشان در کنار تحصیلات علوم حوزوی از خدمت به مردم ( که در پوشش تبلیغ دینی مطرح می شد) غافل نبودند و این مسئولیت را نیز منحصر به اقامه نماز و منبر نمی دانستند، بلکه در کنار تبلیغات به سازندگی، از قبیل راه سازی، ساختن مساجد، حسینیه، حمام و ... می پرداختند و با جذب کمک های مردمی فعالیت های سازندگی وسیعی را ارائه می نمودند. به عنوان نمونه در منطقه کشکوئیه رفسنجان، بدون داشتن امکانات پیشرفته، بیش از 20 کیلومتر راه و چندین مسجد، حسینیه، حمام و ... ساختند.

در حدود سال 1354 با توجه به مرکزیت شهر تهران و نیاز مبرم مردم به روحانی آگاه و فداکار به تهران آمدند و بنیان مسجدالرسول(ص) را در میدان رسالت نارمک نهادند. این مسجد در سال های - 57 1356 به مرکز انقلاب در شرق تهران تبدیل شد و خدمات بسیار ارزشمندی در پیشروی و پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) ارائه نمود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی، ایشان مسجدالرسول(ص) را به یکی از روحانیون جدی و موفق واگذار نموده و به قم مراجعت نمودند اما چندی نگذشته بود که با درخواست و اصرار بسیاری از علما و توصیه بعضی از مراجع تقلید، مسئولیت جامعه علمیه امیرالمؤمنین (ع) را پذیرا شدند و ساختمان این حوزه را بنا نموده و تعداد طلاب آن را از حدود سی نفر نامنظم و بدون برنامه به حدود 300 نفر طلبه منظم و جدی ارتقاء دادند و تا پایان عمر شریفشان این مرکز تربیت سربازان امام زمان (عج) را به نحو احسن اداره و طلاب بیشماری را تربیت نمودند.

از ویژگی های بارز ایشان، حمایت و اطاعت از استاد بزرگوارشان حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار انقلاب اسلامی بود که پس از رحلت حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره) در منطقه کشکوئیه رفسنجان و سایر مناطق از مرجعیت حضرت امام (ره) تبلیغ نمودند. به طوری که در منطقه کشکوئیه حتی یک نفر مقلد غیر امام وجود نداشت. در سال های 1356 و 1357 در کنار فعالیت های انقلابی در تهران، فعالیت های بسیار ارزشمند انقلابی دیگری در منطقه رفسنجان داشتند به طوری که انقلاب از منطقه کشکوئیه آغاز و به سایر نقاط استان کرمان سرایت نمود و مردم آن منطقه تا پیروزی انقلاب در صحنه ماندند.

مرحوم حاج آقای کرباسی پس از رحلت حضرت امام خمینی (ره) نیز حمایت و اطاعت از رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای را بر خود فرض دانستند و همواره در این راستا تلاش و جدیت می نمودند. حضور پرشور، جدی و هوشیارانه ایشان در تمام مراحل قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و افشاگری های ایشان در رسوا نمودن بنی صدر و دارو دسته اش و ... نیازمند شرح و بسط بیشتری است که از حوصله این مجموعه بیرون است.

ویژگی دیگر مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا کرباسی، اخلاص ایشان بود که تمام دوستان ایشان اظهار می دارند؛ تمام اعمال ایشان صد در صد برای خدا خالص بود و از اینکه دیگران از کارهای ایشان مطلع شوند و تعریف نمایند، بسیار منتفر و منزجر بود. به عنوان مثال اگر کسی بالای منبر یا در جلسه درس اخلاق نام ایشان را می برد به شدت متاثر می شد و به گوینده اعتراض می نمود. از نمونه های بارز اخلاص ایشان، می توان به تالیف کتابی تحت عنوان "اعترافات در خلوت با معبود" اشاره کرد. این کتاب گذشته از محتوای آن که بیانگر اخلاص، زهد و عبادت عاشقانه مؤلف آن با پروردگار است، ذکر نام مؤلف نیز گویای اخلاص ایشان می باشد چرا که ایشان نام مؤلف را "عبدالغفار امیدوار" نهاده اند که در عین اینکه کاملاً با مسماست، از خودنمایی و ریا کاری کاملاً بدور است.

جدیت و پشتکار و خستگی ناپذیری، ویژگی دیگر ایشان بود که به جرأت می توان گفت، ایشان در تمام عمر، روزانه بیش از پانزده ساعت فعالیت مثمر داشت. ایشان از درآمد ملک کشاورزی مختصری که داشتند امرار معاش نموده و فقط ماهیانه پانزده هزار تومان به عنوان تبرک از شهریه حوزه دریافت می نمودند. از مصرف وجوهات به شدت پرهیز نموده و حتی شهریه هایی که در سالهای آغاز طلبگی دریافت و مصرف کرده بودند از درآمد کشاورزی خود به مراجع تقلید مرجوع نمودند. علاقه قلبی ایشان به طلبه از خصوصیات مشهود ایشان بود، به طوری که حاضر بود زندگی و هستی خود را فدای طلبه خوب نماید.

در تأسیس و بنای جامعه علمیه امیرالمومنین (ع) بخشی از بودجه مورد نیاز را، از درآمد کشاورزی یا فروش بخشی از آنها تامین نمودند. تقوا، تهجد و عبادتهای خالصانه ایشان نیازی به توصیف ندارد چرا که علمای شیعه همواره موفقیت های خود را مرهون ارتباط با خدای خود بوده و هستند.



خاطراتی چند از مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا کرباسی

کرباسی می داند چه می کند

یکی از طلاب عزیز از ابوی محترمشان نقل می کنند که بنی صدر خائن روزنامه ای به نام جمهوری اسلامی داشت که حرفهای نامناسب با فرهنگ انقلاب در آن نوشته و چاپ می شد. حاج آقا در آن زمان امامت مسجد الرسول (ص) را به عهده داشتند و هر از چند گاه به طور دقیق به نقد مطالب این روزنامه می پرداختند و اشکالات آن را می گرفتند. عده ای به خیال اینکه ایشان با نقد ریاست جمهوری، نظام و انقلاب را تضعیف می کنند، نامه ای را می نویسند و به دفتر امام ارسال می کنند. پس از چندی حضرت امام در جواب نامه به این مضمون می فرمایند: « آقای کرباسی می داند چه می کند. »

من مطیع امام هستم  
حجت الاسلام درویشیان: در دوران حاکمیت طاغوت، بنا بود گروهی برای مبارزه مسلحانه با رژیم ستم شاهی تشکیل دهیم. بنده مسئول مالی و جمع کمک مالی برای تهیه تسلیحات بودم. خدمت حاج آقا در مسجد الرسول (میدان رسالت) رسیدم و نظر ایشان را جویا شدم. فرمودند: «از امام چیزی در این زمینه به ما نرسیده است. امام فرمودند: فعلاً وظیفه، همین راهپیمایی ها و تظاهرات و شرکت در مراسم

مردمی است. من مطیع امام هستم، اگر امام دستوری در این زمینه دادند، چشم. »

سه ساعت استراحت در 24 ساعت

حجة الاسلام و المسلمین محمدی

سال اول پیروزی انقلاب بود، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین کرباسی هر شب نماز مغرب و عشا را در یکی از روستاهای کشکوئیه رفسنجان برگزار می کرد. ایشان بعد از نماز روی صندلی می نشست و مساله می گفت، نصیحت و ارشاد می کرد و بعد از آن اهالی ایشان را برای شام مهمان می کردند و تا نزدیک ساعت 12 شب مردم در کنار ایشان بودند. دوباره ساعت 3 بامداد حاج آقا بیدار بودند، بعد به مسجد می رفتند و روز را به کارهای مردم می پرداختند. کمیته ای تشکیل داده بودند که به مشکلات مردم از جمله مسکن آنها رسیدگی می کردند. خلاصه ایشان در 24 ساعت، بیش از 3 یا 4 ساعت استراحت نداشت و این همه خدمت به اسلام و مسلمین را بدون هیچ گونه چشم داشتی انجام می داد. مرحوم حجت الاسلام و المسلمین کرباسی نماینده امام خمینی (ره) در امور حسبه و وجوهات شرعی بود و در تقلید مردم را ارجاع به امام می داد، از این رو همواره تحت تعقیب ماموران پاسگاه طاغوت و عوامل ساواک ستم شاهی بود.

در زمان تبعید امام خمینی (ره) در عراق، زمانی که مرحوم حاج آقا کرباسی با عده ای از اهالی محل به کربلا و نجف و عتبات عالیات مشرف شده بودند، در مرز خسروی به خاطر داشتن اعلامیه ها و رسید وجوهات شرعیه از امام خمینی (ره) دستگیر و چند ماه زندانی بودند.

در سال 1356 که جشن های نیمه شعبان مصادف با ایام نوروز بود، امام عید نوروز را به خاطر جنایت های حکومت و کشتار مردم در شهرها تحریم کرده بودند. حجة الاسلام و المسلمین عبدوس که سخنان مراسم آن سال به دعوت مرحوم حاج آقا کرباسی بود، اطلاعیه امام را در مراسم جشن بالای منبر قرائت کرد و جشن های آن سال با حضور گسترده مردم از تمام روستاهای منطقه و خارج از منطقه (رفسنجان - انار - نوق و جاهای دیگر) با شکوه بسیار و با جمعیتی بی سابقه برگزار شد. شبی که جشن در روستای شریف آباد بود مامورین پاسگاه جهت دستگیری مرحوم حجت الاسلام و المسلمین کرباسی و حجت الاسلام و المسلمین عبدوس حمله کردند که به خاطر ازدحام جمعیت و حمایت مردم از آنها موفق به دستگیری آقایان نشدند.

شجاعت انقلابی

یکی از طلاب:

روزی که با تعدادی از طلاب محترم در منزل مرحوم حاج آقا، منتظر آوردن پیکر مطهر ایشان جهت تشییع بودیم، در جمع ما یکی از دوستان ایشان حضور داشتند و خاطره ای را که خودش شاهد آن بود را برایمان تعریف کرد. ایشان می گفت: زمانی که حاج آقا تبلیغات خود را در مسجد الرسول (ص) میدان رسالت شروع کردند مسجد به صورت چادری بود که دو در داشت و ما نماز جماعت را در زیر همان چادر اقامه می کردیم. معمولا حاج آقا بین دو نماز سخنرانی داشتند. روزی از طرف رژیم پهلوی دستور دادند که حاج آقا حق سخنرانی ندارد. خادم مسجد مسئول رساندن پیام آن مامور به حاج آقا شد و پیام به حاج آقا رسید. اما حاج آقا بدون توجه به آن پیام بعد از نماز مغرب شروع کردند به سخنرانی، وقتی آن مامور حاج آقا را در حالت سخنرانی دید، گفت: مگر ما نگفتیم که نباید صحبت کند! خادم جواب داد که ما به ایشان پیام را رساندیم. آن مامور یک سرباز مسلح آورد و گفت: " اسلحه خود را روبروی حاج آقا بگیر و اگر سخنرانی را قطع نکرد، ما دستود می دهیم، به طرف او شلیک کن! " مامور نامه کوچکی به عنوان اخطار نوشت و دست خادم داد که به دست حاج آقا برساند، وقتی که نامه به دست ایشان رسید بدون اینکه نامه را بخواند نامه را در جیبش گذاشت، نامه دوم نوشته شد و به دست حاج آقا رسید، باز حاج آقا نامه را بدون اینکه بخواند داخل جیبش گذاشت و به طور طبیعی مانند سخنرانی های گذشته اش صحبت هایش را تمام کرد. من (دوست حاج آقا) در خانه خودم به حاج آقا گفتم: چرا سخنرانی را قطع نکردی، او می خواست شما را با اسلحه بزند؟ حاج آقا فرمودند: من خودم را آماده کرده بودم و شاهد خود را گفته بودم و منتظر بودم که بزند....



حاج آقا در دوکوهه:

در نوروز سال 1377 در پادگان دو کوهه به همراه مرحوم حاج آقا کرباسی قدم می زدیم و ایشان صحبت می فرمودند که؛ اگر مسجدالحرام و کعبه و مشاهد شریفه حرمت دارند برای این است که در آنجا بیش از اماکن دیگر ایمان، اخلاص و توجه به مبدا و معاد وجود دارد. در حالی که قدم های خود را بر زمین دوکوهه می کوبیدند، می فرمودند: "اینجا قدمگاه شهدای ماست. شهدایی که مصداق ایمان و خلوصند و بیش از همه به فکر مبدا و معاد بودند که آن ایثار و حماسه را آفریدند. پس اینجا مقدس است، اینجا شرافت دارد."

حاج آقا بزرگ از نگاه دوستان

حضرت آیت الله سیبویه (ره):

خدا بدرجات این عالم ربانی، مربی روحانی، آیت الله کرباسی بیفزاید که این حوزه را ایشان تاسیس کرده و الحمدلله چراغ روشن است. آن کس که برای خدا قدم بردارد و قدمش خالص باشد، این نتیجه اش است.

آیت الله دری نجف آبادی:

من بیش از 35 سال با مرحوم کرباسی آشنا بوده ام. ایشان عالمی ربانی، انسانی وارسته، زاهد، عابد، خدوم، دلسوخته، سخت کوش بودند و به اندازهی وسعش تلاش می کرد. لذا توانست مردم رفسنجان را با فرهنگ امام و انقلاب آشنا کند به طوری که آن مناطق قبل از انقلاب عاشق امام بودند و با تبلیغ و ترویج اسلام در تربیت و ایجاد روحیهی طلبگی در آن مناطق بسیار موثر بودند و در کنار این مهم در مسائل عمرانی مثل جاده سازی، مسجد سازی، مدرسه و حمام سازی در مناطق رفسنجان نقش بسزایی داشتند و جامعه علمیه امیرالمؤمنین (ع) بدست ایشان آباد شد که ثمرات بسیار مفیدی داشته است.

خطیب توانا، حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا صدیقی:

حاج آقا کرباسی برای امام زمان (عج) جوان ها را صید می کردند و سرباز تربیت می کردند، من احساس می کنم که با فوت ایشان یک قبیله از دنیا رفته است.

خطیب توانا، حجت الاسلام و المسلمین محمد تقی عبدوس:

مرحوم کرباسی مردی بود که زندگی پاک و حیات طیبه داشت آنچه برایش مهم بود وظیفه و خدمت بود. عالم عامل بودند، یک مبارز و انقلابی دیرینه و به معنای واقعی عاشق امام بودند. بدون هیچ ادعایی عارف حقیقی بودند که به راحتی از دنیا برید.

خطیب توانا، حجت الاسلام و المسلمین هاشمی نژاد:

ایشان یک انسان مخلص و با صفا و بی ریا بودند و مثل یک شمع می سوختند تا طلبه ها در پرتو سوختنش مراتب عالیه کمال را طی کنند.

حجة الاسلام و المسلمین درویشیان:

ایشان مجسمه تقوا و اخلاص بودند. تمام هم و غم ایشان پیشبرد اسلام و تبلیغ دین بود که البته در این مسیر سختی ها و شکنجه های

روحی متحمل شدند. از هیچ شخصی و مقامی در انجام وظیفه - چه در انقلاب و چه بعد از انقلاب - هراسی نداشتند. ایشان همانگونه که از مرحوم امام اطاعت می کردند، از مقام معظم رهبری نیز اطاعت می کردند و توصیه بر اطاعت ایشان می کردند.

حجت الاسلام و المسلمین محمد غلامرضایی:

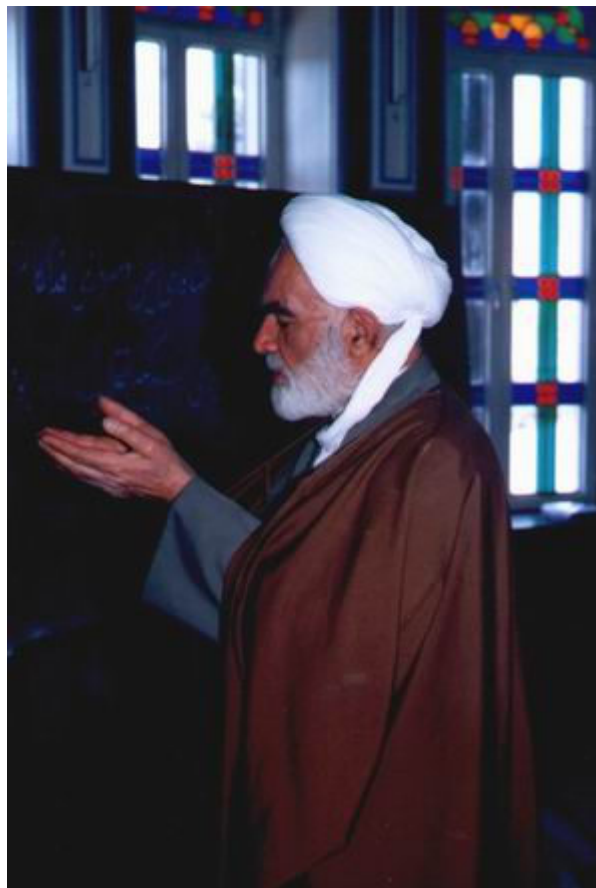
همه مردم منطقه کشکوئیه رفسنجان ایشان را به عنوان روحانی خدوم و زحمتکش می شناسند. وقتی می خواهند برای نمونه روحانی واقعی مثال بزنند، می گویند حاج آقا کرباسی. خودش در ساختن مسجد، حسینیه و ... آستین بالا می زد و مردم همه به پیروی از وی کار می کردند. اگر مرحوم شیخ عباس تربتی (ره) در منطقه زلزله زده طیس ناجی مردم بوده، ایشان در منطقه کشکوئیه، تربتی دیگری بود که مردم را به دستورات اسلام آشنا کرد، واجبات و محرمات را به مردم یاد می داد و آنها را دوباره زنده کرد. گرچه آقای کرباسی فعالیت های عمرانی فراوانی داشتند، ولی اساس خدمت ایشان آشنایی مردم منطقه با اسلام و پرورش دادن افراد متدین و مخلص و فداکار بود. خودم در زمان نوجوانی در حدود 10-12 سالگی، زمانی که مسجد گیتی آباد را می ساختند وقتی می دیدیم که یک روحانی با لباس روحانیت آجر جابجا می کند و عرق می ریزد، اثر شگرفی در روحیه ما و سایر مردم می گذاشت، این تشویقی بود برای حرکت دادن، زحمت کشیدن و بنا نمودن خانه خدا.

حجت الاسلام و المسلمین حاج کاظم ابوالقاسمی:

در منطقه کشکوئیه رفسنجان، برای اولین بار توسط ایشان برای پایه ریزی جشن های نیمه شعبان از مردم کمک گرفت و هیئتی تشکیل داد به نام هیئت ولی عصر (عج) و در هر روستا یک نفر را معین نموده بود برای جمع آوری کمک های مردم. برای اولین بار سخنران جشن های نیمه شعبان مرحوم شهید دکتر مفتاح و در سال بعد حجة الاسلام و المسلمین شب زنده دار شیرازی را دعوت نمود و هر سالی یکی از علمای برجسته را دعوت می نمود، از قبیل شهید تقوی دامغانی، حجة الاسلام و المسلمین انصاری شیرازی، حجة الاسلام و المسلمین ربانی املشی، حجة الاسلام و المسلمین عبدوس، حجة الاسلام و المسلمین فاکر، مرحوم حجة الاسلام و المسلمین مروی، و همین منوال تا کنون این سنت حسنه پا بر جا مانده است.

حاج سعید حدادیان:

در عالم رویا مرحوم حاج آقا را زیارت کردم (احتمالا کنار مسجدالرسول(ص) که خودشان آن را ساخته اند، بود) از ایشان درباره آن دنیا پرسیدم. با همان لحن شیرین فرمودند: "اینجا اقیانوس رحمته، حتی فلانی هم بی نصیب نیست. " بعد با حالت خاصی و با عتاب فرمودند: "تو ضرر کردی که تشییع جنازه ام نیامدی."



### گزیده ای از مناجات های مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا کرباسی

خدایا؛ این بنده ات گناهانش درباره اش چه کرده، شهوات و لذات مادی، جسمانی، حیوانی چه به روزش آورده است. بارالها؛ این بنده روسیاهت از گناهان فراوان خود خجل و روسیاه است. و در درگاه تو لرزان و اشک ریز. و بارها و بارها تصمیم گرفته است که با تو عقد بندگی بخواند و با تو آشنا گردد و ترک گناه کند. اما عهد شکنی کرده و تبعیت از هوس های نفس و خطوات شیطان نموده است. خدایا، چه کند که در مقابل گناهان سنگینش هیچ عبادت و بندگی شایسته ای سراغ ندارد و آنچه را به نام نماز و قرائت قرآن، انفاق در راه دین تو و ارشاد بندگان انجام داده است همه آلوده به کسالت و بی علافگی و یا تظاهر و ریا و یا اشتباه و خطا و یا حب جاه و مقام بوده است.

خدایا؛ تو با بنده ات که حتی یک عبادت و کار خیر مسلم بی نقص انجام نداده و اما گناهان مسلم فراوان انجام داده باشد چه خواهی کرد.

خدایا؛ این بنده ات نمازهایش شرم آور است عبادتش بی توجه و بدون حضور قلب است. خیراتش مشوب به اغراض است دیگر چه امیدی می تواند به خود داشته باشد.

خدایا؛ از میان گناهان فراوانش گناه صرف شهریه و سهم مبارک امام<sup>II</sup> بدون انجام وظیفه تحصیل و علم و عمل و گناه تظاهر و ریا و عجب در عبادت و گناه تبعیت از اغراض حیوانی و شهوات نفسانی و خواسته های امیالش بیشتر او را شرمنده کرده و به این روزش نشانده است. خدایا؛ از میان همه بندگان گناهکارت کار این بنده روسیاهت به جائی رسیده است که می ترسد التماس بدرگاهت و درخواست مغفرت با التماس و اشک و آه، دیگر فایده ای نداشته باشد و اصلاً نخواستی باشی که با تو سخن بگوید و درخواست کند. زیرا بارها و بارها این ناله ها و گریه ها را داشته و اما باز عهد وفا را شکسته، پس ای خوشابحال آنهایی که به امید علاج درد و جبران خطاها به درگاه تو می آیند. در صورتی که این بنده خوشحالی ندارد. بلکه خوشابحال آنانی که فقط برای ترفیع درجات و علو مقامات عبودیت و تکامل به درگاه تو می آیند. خدایا پس کیست که به داد این بنده ات برسد.

خدایا؛ بیچاره تر از من میان بندگان یافت می شود؟ آی خدا خدا خدا، آنچه مرا در شرف ناامیدی قرار داده است آن است که چندین سال است مکرر به درگاه تو آمده ام التماس کرده ام. در حرم حضرت معصومه، حرم حضرت امام رضا (ع)، مسجد جمکران، مسجد الحرام، درحجر، در مستحار و کنار مزار پیامبر گرامی ات، کنار قبور ائمه معصومین و مظلومین بقیع<sup>II</sup>، در خلوت و جلوت یک حاجت را از تو درخواست نموده ام اما هنوز برنیاورده ای و آن حاجت این بوده است که ( اغفر لی ما سلف من ذنوبی و اعصمینی فی ما بقی من عمری و احینی بالعقل و العلم و التقوی الکامل ) خدایا مگر نگفته ای به بندگان هر کس به امید شما رو به درگاهتان آورد محرومش نکنیم.

خدایا؛ اگر کسی درباره ما هزار ظلم و جفا را می کرد و بعد با ندامت و پشیمانی مکرر با اشک و آه به ما التماس می کرد و می توانستیم

حاجتش را روا کنیم روا می کردیم. پس ای خدا مگر این بنده ات چقدر گناهکار و تباہکار و روسیاه است که دستش را نمی گیری و نگاهش نمی داری.

خدایا؛ چقدر خوب بود من با تو آشنا بودم و براستی دوست تو بودم و چقدر خوب بود که تو هم دوست من بودی و از من راضی بودی.

خدایا؛ اگر بگوئی هر کسی حقی از من ضایع نکرده از او خشنودم، من بیچاره چه کنم. اگر بگوئی هر کس حقی از بندگانم را پایمال نکرده است یا هر کس ظلم به آنان نکرده است از آنان خشنود می شوم من درمانده بیچاره چه کنم؟ بلکه اگر بگوئی هر کس اهل دروغ و ریا و هواپرستی نبوده و موجبات رنجش خاطر پیامبران و اولیاء مرا فراهم نکرده است از او راضی می شوم چه کنم؟ خدایا عمر گذشته بر نمی گردد و بسیاری از غفلت ها و عصیان ها چاره و جبران پذیر نیست.

خدایا؛ هیچ کس نمی تواند مرا از بدبختی و روسیاهی نجات دهد و مرا با تو آشنا کند و حیات انسانی و اسلامی مرا تجدید نماید اما تو می توانی ( الهی ما انا باول من عصاک فتبت علیہ و تعرض لمعرفک فجذبت علیہ) پروردگارا اگر حکم به محرومیت و شقاوت من کرده باشی چه کنم. خدایا مگر نفرموده ای گناهکارها از درگاه من مأیوس نشوند؟ وانگهی کسی که از هر جهت بیچاره شده و هیچ فریاد رسی غیر از تو ندارد اگر تو هم محرومش کنی کجا برود؟ خدایا تو به فریاد آدم رسیدی تو دست ایوب را گرفتی تو یونس، مسیح، ابراهیم را نجات دادی. خدایا تو دست برادران یوسف را گرفتی، فضیل عیاض، بشر حافی، حربن یزید ریاحی را از ورطه هلاکت نجات دادی. خدایا تو کریمی، تو رحیمی، تو رؤفی، تو غفوری، تو ستار العیوب، غفار الذنوب و علام الغیوبی. یا الله عزت و ذلت به دست توست.

تو مقلب القلوب و مطهر الذنوبی تو توابی، تو توابی، بلکه ای خدای مهربان و ای مهربانترین مهربانان. تو مبدل سئیات بالحسنات هستی، پس ای خدای مهربان از تو می خواهم که مرا از لوث گناه بشوئی و قلب مرا از توجه به گناه و غیر خودت حفظ نمائی.

مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا کرباسی، برای فرزندانش نه تنها پدر، که استادی بزرگ بود و برای دیگران به ویژه جوانان نه تنها یک استاد بلکه پدری مهربان و دلسوز و فداکار بود. شاید بتوان مهمترین ویژگی ایشان را تعبد در حد عالی و تلاش به قصد انجام تکلیف و ادای وظیفه دانست که در این راه از هیچ سد و مانعی و خطری هراس نداشت. در روزگار خوشی و ناخوشی، در سفر و حضر، در زندانهای طاغوت و در جبهه های حق علیه باطل، بر کرسی تدریس، بر منبر وعظ و خطابه، در تربیت فرزندان و در معاشرت ها همواره این مهم را نصب العین خود داشت و به ملامت ملامتگران و خوش آیندی دوستان توجهی نداشته، همواره با در نظر داشتن و حاضر دانستن خداوند متعال، مسئولیت هایش را به انجام می رساند. و بالاخره در شب شهادت امام باقر علیه السلام سال 1420 هجری قمری، مصادف با 23 اسفند 1378 شمسی، در حال استواری ایمان و امیدوار به لطف و رحمت پروردگار ندای « ارجعی الی ربک راضیة مرضیة » را لبیک گفت و به جوار رحمت حق پر گشود.